

# بررسی عوامل ناسازگاری زناشویی در شهرستان گرمسار در سال ۱۳۹۰<sup>۱</sup>

زهرا یگانه مهر<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲۳

## چکیده

زمینه: در سال‌های اخیر آمار بالای طلاق بسیار هشدار دهنده می‌باشد و ما باید به طور اساسی و ریشه‌ای به دنبال علل و عوامل رشد طلاق باشیم. در این پژوهش به دنبال بررسی رابطه یک سری از عوامل (تغییر ارزش‌ها، تغییر نگرش به زندگی خانوادگی، رابطه بین زوجین، رسانه‌ها، اشتغال، پایگاه اقتصادی، اجتماعی) با ناسازگاری زوجین هستیم.

روش تحقیق: این تحقیق به روش پیمایش و با تکنیک پرسشنامه و در شهرستان گرمسار انجام شده است. تعداد حجم نمونه ۴۰۰ نفر می‌باشد. ابزار سنجش برای متغیر وابسته تحقیق، پرسشنامه ناسازگاری زناشویی اسپینیر می‌باشد. برای ابزار برای سنجش متغیرهای مستقل، پرسشنامه خودساخته که با همکاری اساتید دانشگاه طراحی شده است.

یافته‌ها: فرضیه تحقیق، مبنی بر رابطه بین تغییر نگرش به زندگی خانوادگی و ناسازگاری تایید شده است، با اطمینان ۹۹ درصد و ضریب همبستگی ۰.۴۶. صدم بین متغیرها وجود دارد. یعنی بین متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و ناسازگاری در نمونه مورد نظر ما رابطه‌ای وجود نداشت. نتیجه‌گیری: در نهایت فرضیه آخر نیز تایید شد؛ یعنی اینکه بین شغل و ناسازگاری رابطه وجود دارد. رگرسیون انجام شده نیز نشان داد که تنها ۳۰ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل ما تبیین شده است.

**واژگان کلیدی:** ناسازگاری زناشویی، طلاق، شهرستان گرمسار، خانواده.

<sup>۱</sup> این مقاله مستخرج از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار با همکاری استاد راهنما: سرکار خانم دکتر دانش و استاد مشاور: جناب آقای دکتر بخارایی می‌باشد.

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار و همکار پژوهشی دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان سمنان.

## مقدمه

از ابتدای تاریخ و پیدایش بشر تاکنون در بین تمامی جوامع، خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیر بنای جوامع و منشأ فرهنگ، تمدن و تاریخ بشر بوده و پرداختن به این نهاد و بنای مقدس که کانون تربیت، مهد مودت و رحمت و سعادت است و حمایت آن به جایگاه واقعی و متعالی‌اش، همیشه باعث اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت و سهل‌انگاری در امور آن، موجب دور شدن بشر از زندگی حقیقی و درست و سقوط به ورطه هلاکت، نابودی و ضلالت بوده است. سعادت و شقاوت جامعه بشری همواره وابسته به صلاح و فساد این نهاد بوده و خواهد بود. خانواده به عنوان سرچشمه همه آسیب‌ها و یا سلامتی‌های روحی و جسمی جوامع بشری شناخته شده است و قطعاً سرایت کردن آسیب‌ها و سلامت‌ها از طریق نهاد خانواده، امری کاملاً پذیرفته شده است. با این همه وجود اهمیت حیاتی خانواده در سلامت جسم و روان انسان‌ها، در تمامی جوامع خانواده جدید در معرض تهدیدها و آسیب‌های بسیاری قرار دارد. به دنبال تحولات و تغییرات رو به رشدی که در جوامع بشری به وجود آمده، نهاد خانواده هم از این تحولات بی نصیب نمانده و بعضاً در بسیاری از موارد، تغییرات شگرفی را در ساختار خود پذیرفت و در حقیقت پدیده صنعتی شدن و مدرنیته شدن جوامع بشری، نهاد خانواده را در بسیاری از موارد تحت تأثیر قرار داد. در بسیاری از موارد این تغییرات منفی و در بسیاری از موارد هم مثبت ارزیابی شده است. اما آنچه مسلم است در جامعه امروزی، خانواده بیش از هر زمان دیگر با بحران روبرو شده است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۹). روزانه در رسانه‌های گروهی، خبرهای تکان دهنده و فاجعه‌آمیزی در مورد تباهی و بزه‌کاری کودکان، جوانان، زنان و مردان، می‌خوانیم که علل عمده و اساسی و موجبات این گسستگی‌ها بی‌توجهی به مسایل خانوادگی است. ازدواج به عنوان یک نهاد اجتماعی پایه و اساس ارتباط انسانی را شکل می‌دهد و در آن مرد و زن از طریق یک نیروی رمزی ناشی از غرایز، آیین، شعائر و عشق به هم جذب می‌شوند و به طور آزادانه و کامل تسلیم یکدیگر شده تا واحد پویایی را به عنوان خانواده ایجاد نمایند (احمدی، ۱۳۸۲: ۱۲) خانواده تنها نظام اجتماعی می‌باشد که رسماً در همه جوامع پذیرفته شده است.

خانواده محیطی مقدس، باصفا و به زیباترین تعبیر قرآنی محل سکون و آرامش واقعی است. در سوره روم، آیه ۲۱ آمده است: «این از آیات الهی است که از جنس خودتان همسری برایتان آفرید تا در کنار او آرامش یابید و با هم انس بگیرید و میان شما مودت و مهربانی برقرار ساخت». ازدواج در تمامی شرایع و قوانین تشویق شده است و مصلحت فرد و اجتماع در این است که مرد و زن پیمان زناشویی ببندند و تشکیل خانواده دهند. ازدواج موجب بقاء نوع انسان، توسعه اقتصادی یک ملل، آسایش و آرامش زوجین، حفظ و تقویت ایمان، باز شدن افق‌های جدید فکری، افزایش سلامتی جسمی و روانی، رشد و تکامل اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود. آنچه از خود ازدواج مهم‌تر است دوام و رضایت از ازدواج می‌باشد (همان منبع). با تمام این گفته‌ها و اهمیت خانواده و ازدواج و با وجود بحرانی که پایه و اساس خانواده‌ها را تهدید کرده و بالا رفتن آمار طلاق باید در پی پیشگیری بوده و به کنکاشی درباره علل و عوامل ناسازگاری‌ها و اختلافات زوجین که در نهایت به طلاق می‌انجامد بپردازیم و در راستای تحقیقات و کارهای دیگرانی که در این زمینه انجام شده است، در تحقیق حاضر سعی شده تا بتوانیم گوشه‌ای از این علل ناسازگاری‌ها و تعارضات زناشویی که در خیلی از موارد به طلاق واقعی و در موارد زیاد دیگری هم به طلاق عاطفی و زندگی سراسر رنج و تنهایی می‌انجامد را پیدا کنیم.

## بیان مسئله

جامعه‌شناسان معمولاً مسأله اجتماعی را وضعیت اظهار شده‌ای می‌دانند که با ارزش‌های شمار مهمی از مردم مغایرت دارد و معتقدند که برای تغییر آن وضعیت باید اقدام شود. در اینجا وضعیت اظهار شده آن وضعیتی است که گفته می‌شود از طرف مردم در صحبت‌ها یا در پوشش رسانه‌ها وجود دارد، این ادعا لزوماً نباید درست باشد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۲-۱۳). متأسفانه آمار طلاق در تمام کشورها و همچنین کشور ما رو به افزایش بوده و زنگ خطر را به صدا در آورده است. ازدواج پیمان مقدسی است که از طریق آن خانواده تشکیل می‌گردد و تقریباً

از ابتدای زندگی انسان در تمام زمان‌ها و مکان‌ها در میان اقوام، ملل و جوامع وجود داشته و بیشتر ادیان آن را مورد تاکید قرار داده‌اند و آن را یک پیوند مطلوب انسانی دانسته که به زندگی افراد معنا می‌بخشد. از طریق ازدواج و تشکیل خانواده نیازهای جسمانی، روانی، عاطفی، اجتماعی و فرهنگی تامین می‌شود (نورانی پور و همکاران، ۱۳۸۶). خانواده مهمترین نهاد جامعه است و منشاء جامعه سالم، خانواده سالم است و هر آفت و زوالی در این نهاد و کارکردهای آن قابل بحث و بررسی است. اختلال در سیستم کارکرد خانواده به منزله تهدیدی برای بقای آن محسوب می‌شود و گاهی به خاطر وجود اختلافات زناشویی، خانواده‌های بسیاری در معرض خطر از هم‌پاشیدگی قرار می‌گیرند. ازدواج یک نهاد اجتماعی است که ارتباط دو شخص کاملاً متفاوت با زمینه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مختلفی را برای تشکیل یک خانواده به هم ارتباط می‌دهد و احتمالاً به دلیل این تفاوت‌ها نهاد ازدواج درون خود با اختلافات بیشتری نسبت به سایر نهادها روبه رو است (اسر، ۲۰۰۱ به نقل از محرمی، ۱۳۸۷: ۷). ناسازگاری‌های درون خانواده سبب می‌شود تا روابط اعضای خانواده بهم بخورد، از هم گسستگی ایجاد کند، وحدت میان اعضای خانواده به خطر بیافتد و نهایتاً منجر به انحلال آن گردد. تعارضات زناشویی دو منشاء دارد: ۱- عدم تعادل ساختار خانواده، ۲- عدم پایداری هر یک از زوجین به هنجارها و تخلف از آنها (هاشمی، ۱۳۷۶: ۱۶). تحقیقات نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد مردان و زنان دنیا در مقطعی از زندگی خود ازدواج می‌کنند و این درصد بطور قابل توجهی ثابت است. افرادی که ازدواج نمی‌کنند در مجموع از ۱۰ درصد هم کمتر هستند. وقتی انسان وارد رابطه زناشویی می‌شود بطور متوسط پنجاه سال در این رابطه باقی می‌ماند. زن و مردی که ازدواج می‌کنند باید بتوانند خود را با نیم قرن تحولات اجتماعی و رشد تغییرات متقابل یکدیگر تطبیق دهند و گرنه رابطه‌شان با مشکل روبرو می‌شود. با گذشت نیم قرن تغییرات زیادی در ارزش‌های مردم و نحوه زندگی‌شان رخ می‌دهد که هیچ زن و شوهری از آن مستثنی نخواهند بود (ثنایی، ۱۳۷۵: ۲۵). حفظ خانواده و داشتن زندگی خانوادگی سازگارتر و شناخت و بررسی علل و عوامل اختلافات ناسازگاری‌های زوجین امری اساسی می‌باشد. هنوز در جوامع ما ازدواج‌های تحمیلی، شرایط

سنی نامناسب و ازدواج مجدد دیده می‌شود و هنوز بسیاری از جوانان تنها با دل خود با پیش می‌گذارند و وارد زندگی زناشویی می‌شوند. با اتخاذ روش‌های ساده می‌توان از بروز بسیاری از اختلافات جلوگیری کرد. در حالی که امروز بیشتر ازدواج‌ها با عشق صورت می‌گیرد و هر دو طرف قصد دارند، به یکدیگر و تعهداتشان در مقابل هم احترام بگذارند. اما در طول زمان مسائلی پیش می‌آید که می‌تواند به جدایی یا یک زندگی مشترک بدون احساس عشق و همراه با تعارض و ناسازگاری منجر شود و علیرغم کوشش‌های همسران بیشتر به خاطر بچه‌های خود و برای رسیدن به مرحله جدایی، بسیاری از پیوندهای زناشویی به طلاق رسمی و درصد بالایی از مابقی به طلاق عاطفی منتهی می‌شود. ازدواج یک مبارزه است که امکان بروز پیش‌آمدهای منفی در آن بسیار است و یک زوج دانا باید بتواند آن‌ها را بشناسد، پیش‌بینی نموده و به آن‌ها رسیدگی کند. خشم می‌تواند به شکل‌هایی همچون بی‌ارادگی و تسلیم نیز بروز کند. ترک کردن احساسات و زندگی مانند یک مرده متحرک و پر از تعارض نیز برای یک رابطه همان قدر خطرناک خواهد بود و رابطه را از بین می‌برد.

بر اساس گزارشات سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۳۷۵، تعداد ۳۷۸۱۷ مورد طلاق در کشور به ثبت رسیده و این رقم در سال ۱۳۸۸ تعداد ۱۲۵۷۴۷ مورد طلاق در کشور به ثبت رسیده است که نشانگر افزایش آمار طلاق در این سال می‌باشد. از طرف دیگر آمار نشان می‌دهد از هر ۱۰۰ ازدواج، ۲۵ مورد آن منجر به طلاق می‌شود و این درحالی است که بیش از ۳۰ درصد از طلاق‌ها در سال اول و بیش از ۵۰ درصد نیز در ۵ سال اول ازدواج رخ می‌دهد (سایت رسمی سازمان ثبت احوال کل کشور). همچنین استان سمنان در سال ۱۳۸۹ در کشور رتبه اول طلاق را در کشور کسب کرده است. مطابق آمار اعلام شده از سوی سازمان ثبت احوال کشور، تا پایان آذر ماه ۱۳۸۸، تعداد ۴۷۵ مورد طلاق در استان سمنان به ثبت رسیده که نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۸۹ به ۷۵۷ مورد رسیده است و بیانگر رشد ۵۹/۴ درصدی طلاق در این استان است. با این آمار، استان سمنان در صدر میزان رشد طلاق در بین استان‌های کشور قرار گرفته است (سایت خبری تابناک). همچنین شهرستان گرمسار که از شهرهای این استان می‌باشد،

آمار طلاقش در رأس می باشد (اداره ثبت احوال شهرستان گرمسار). در هر صورت این افزایش آمار طلاق حاکی از این مسأله است که روابط بین همسران در طول این سال‌ها دستخوش تغییراتی شده است که منجر به افزایش ناسازگاری و اختلاف بین همسران و در آخر طلاق شده است. سوال اصلی تحقیق این است که علل و عوامل ناسازگاری‌های زناشویی در بین زوجین شهرستان گرمسار چیست؟

### اهداف تحقیق

- هدف کلی:

بررسی ناسازگاری زناشویی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان گرمسار.

- اهداف جزئی:

- ۱- بررسی رابطه تغییر ارزش‌های خانواده بر ناسازگاری زوجین.
- ۲- بررسی رابطه استفاده از رسانه‌ها بر ناسازگاری زوجین.
- ۳- بررسی رابطه تغییر نگرش به زندگی خانوادگی بر ناسازگاری زوجین.
- ۴- بررسی نوع رابطه زوجین بر ناسازگاری آن‌ها.
- ۵- بررسی رابطه عوامل زمینه‌ای بر ناسازگاری زوجین (اشتغال زوجین، پایگاه اقتصادی، اجتماعی زوجین).

### چارچوب نظری تحقیق

تحولات مربوط به گذر از جامعه‌ای سنتی به مدرن و شبه مدرن و مسائل مربوط به تعارضات و ناسازگاری بین ارزش‌های سنتی و تضعیف شده با ارزش‌های وارداتی غیر بومی که از یک‌سو حضور یافته و واقعیت دارند و از سوی دیگر تضعیف شده نبوده و عمومیت نیافته‌اند. از این جهت کشور ما مثل بسیاری دیگر از کشورهای در حال توسعه با مسائل خاص دوران گذار از

سنت به مدرنیسم مواجه است و علی‌رغم تمام تمایزات و وجوه انحصاری و خاص جامعه فعلی ایران که ما را از جهات متعددی از دیگر جوامع در حال گذار متمایز می‌کند، در عین حال بسیاری از وجوه عام این‌گونه تحولات در کشور ما نیز رخ نموده و پیامدهای خاص خود را در حوزه فرهنگ و ارزش‌ها بر جای گذاشته است (حاضری، ۱۳۸۰: ۴۴). ناسازگاری زناشویی پدیده پیچیده‌ای است که دارای عوامل گوناگون می‌باشد، پس با یک نظریه و دیدگاه خاص نمی‌توان آن را تبیین کرد. در نتیجه باید برای بررسی و تبیین آن از تئوری‌های مختلف استفاده کرد. نظریه مبادله نظریه‌ای است که در ابتدا توضیح می‌دهیم؛ این نظریه روابط نزدیک را همانند مبادلات تجاری بر حسب مفاهیم سود و زیان و هزینه‌ها و پاداش‌ها و مانند آن تبیین می‌کند. در مبادله کالاها هر یک از دو طرف در پی کسب سود بیشتر با هزینه کمتر است. در روابط شخصی مانند روابط زن و شوهر نیز وضع از این قرار است. به محض آنکه سود از هزینه بیشتر شود، شخص در روابط خود با دیگران احساس خوشنودی می‌کند. اما اگر سود از هزینه کمتر شود، مبادله زیان‌آور خواهد بود و باعث ناخشنودی و ناسازگاری در روابط می‌شود. در روابط نزدیک، افراد انواع گوناگون پاداش‌ها را با یکدیگر مبادله می‌کنند، محبت، حمایت، عاطفه و ارضای نیاز جنسی، دارایی، موقعیت اجتماعی و... پس احساس رضایت از مبادله سبب سازگاری و احساس نارضایتی از مبادله سبب ناسازگاری می‌شود. در این تحقیق، متغیر ناسازگاری را با استفاده از پرسشنامه استاندارد ناسازگاری زناشویی سنجیدیم.

نظریه بحران ارزش‌ها، نظریه‌ای است که برای تبیین متغیر تغییر ارزش‌های خانواده استفاده می‌شود. در جوامعی که در حال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند، مشکلاتی ایجاد می‌شود که نتیجه تقابل نوگرایی و پایبندی به سنت‌های دیرین و خصومت بین نسل‌هاست و جامعه ما نیز چنین جامعه‌ای است و ما در کل کشور در حال توسعه‌ای می‌باشیم. در چنین شرایطی نظام ارزشی جامعه دستخوش آشوب می‌شود که بازتاب این وضعیت را می‌توان در نظام ارزشی خانواده نیز مشاهده کرد. از آنجا که سرعت حرکت فرهنگ با حرکت اقتصادی و نوآوری‌های فناوری یکسان نیست، در نتیجه نسل‌هایی که در

معرض چنین تحولات سریع اجتماعی قرار می‌گیرند دچار کشمکش درون خانواده می‌گردند و در این صورت ناسازگاری در خانواده افزایش می‌یابد. استفاده از رسانه‌ها و تاثیر آن بر ناسازگاری نیز با این نظریه تبیین می‌شود. زیرا استفاده از رسانه‌ها خصوصاً رسانه‌هایی مثل ماهواره و اینترنت در کشور ما سبب تغییر ارزش‌های خانواده می‌شود که این تغییر ارزش‌ها می‌تواند ترویج الگوی مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی، آزادی روابط جنسی و یا به طور مثبت؛ بالا رفتن آگاهی زنان از حقوق خود و آشنایی با دیگر سبک‌های زندگی باشد که می‌تواند در نهایت سبب ایجاد تعارض و ناسازگاری در زندگی زناشویی گردد. تغییر نگرش زنان به زندگی خانوادگی را با نظریه کاهش قُبَح طلاق توضیح می‌دهیم. یکی از تغییراتی که در نگرش به زندگی خانوادگی ایجاد شده این است که زنان دیگر مانند گذشته این ایده را قبول ندارند که باید تمام سختی‌های زندگی متاهلی را تحمل کرد و امروزه به علت رشد آگاهی زنان، آنها می‌دانند که تحمل یک زندگی متاهلی که در آن کشمکش و ناسازگاری وجود دارد، اثرات جبران‌ناپذیری بر خود و خانواده و فرزندان‌شان دارد و در نتیجه راحت‌تر از گذشته به طلاق فکر می‌کنند و دیگر طلاق آن داغ بدنامی را به همراه ندارد. پس تغییر نگرش زنان، کاهش قُبَح طلاق را به همراه داشته است که می‌تواند یکی از علل بوجود آمدن ناسازگاری‌های زناشویی شود و در نهایت به طلاق بیانجامد. روابط بین زوجین متغیری است که با نظریه راه سوم آنتونی گیدنز تبیین می‌شود. گیدنز در روابط بین زوجین، طرفدار برقراری دموکراسی است و به نظر او توزیع روابط قدرت در خانواده سنتی عادلانه نیست. در خانواده سنتی سلطه مرد بر زن به وضوح به چشم می‌خورد. از دید او دموکراتیزه کردن در زمینه خانواده به مفهوم برابری، احترام متقابل، استقلال، تصمیم‌گیری از طریق برقراری ارتباط و آزادی از خشونت است. پس بر طبق این نظریه اگر روابط دموکراتیک بین زوجین برقرار باشد سازگاری وجود دارد و اگر این چنین نباشد ناسازگاری بوجود می‌آید. در این تحقیق از نظریه مشکلات اقتصادی نیز استفاده می‌شود. به نظر کانگر دوران‌های سخت اقتصادی در جامعه نتایج زیانباری بر خانواده دارد، از جمله احتمال وقوع گسیختگی و بی‌سامانی مطرح است. محرومیت اقتصادی، سبب بروز ناسازگاری بین زوجین می‌-



شود که دو متغیر اشتغال و پایگاه اقتصادی - اجتماعی زوجین با این نظریه تبیین می‌شوند. نداشتن شغل مناسب و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خوب، وضعیت اقتصادی خانواده را بحرانی کرده و سبب بروز ناسازگاری بین زوجین می‌شود.

### **فرضیه‌های تحقیق**

- ۱- به نظر می‌رسد تغییر ارزش‌های خانواده با ناسازگاری زوجین رابطه دارد.
- ۲- استفاده از رسانه‌ها با ناسازگاری زوجین رابطه دارد.
- ۳- تغییر نگرش به زندگی خانوادگی با ناسازگاری آن‌ها رابطه دارد.
- ۴- روابط بین زوجین با ناسازگاری آن‌ها رابطه دارد.
- ۵- بین عوامل زمینه‌ای (اشتغال زوجین، پایگاه اقتصادی - اجتماعی زوجین) و ناسازگاری آن‌ها رابطه وجود دارد.

### **روش تحقیق**

شیوه انجام هر تحقیقی عموماً بر اساس ماهیت موضوع، اهداف پژوهش، شرایط و امکانات اجرایی تحقیق مورد استناد قرار می‌گیرد. معمولاً محققین تلاش می‌کنند تا با تعیین روش تحقیق دقیق‌تر، متناسب‌تر و قابل اجرا، به پاسخ برای مسأله مورد بررسی دست یابند. روش مطالعه پژوهش حاضر، روش پیمایشی است که به عنوان شیوه‌ای که به کشف و شناسایی ویژگی‌ها و توزیع این ویژگی‌ها و نیز چگونگی روابط متقابل بین متغیرها در یک جامعه نظر دارد، استفاده می‌شود (دیواس، ۱۳۸۲: ۱۴). پیمایش یکی از کلی‌ترین روش‌های تحقیق است که در علوم اجتماعی استفاده می‌شود. پیمایش؛ داده‌هایی را برای موضوعات تحقیق با دامنه وسیع فراهم می‌کند و قدرت تحلیلی فراوانی دارد. نتیجه پیمایش برای محقق مجموعه‌ای از پاسخ‌ها با جواب‌های ثابت است که از پرسش‌ها به دست می‌آید و از مجموع پاسخ‌ها می‌توان برای سنجش ویژگی‌ها، وجه نظرهای گروه‌های اجتماعی مشخص بهره برد. اساس داده‌های

جمع‌آوری شده در نخستین پیمایش همه جواب‌هایی است که از پاسخگویان به دست می‌آید. این جواب‌ها برای نمایش نگرش‌های ذهنی و وجه نظرها و همچنین بیانگر وضعیت اجتماعی و اقتصادی و شخصی پاسخگوست (بیکر، ۱۳۷۷: ۱۹۶).

به عبارت دیگر در پیمایش، «صفات، یا خصیصه‌های هر مورد بر حسب متغیرها، گردآوری می‌شود، سپس با بررسی تغییرات متغیرها بر حسب موردها و جستجوی ویژگی‌های دیگری که به طور منظم با آن پیوند دارد در پی شناخت علل پدیده‌ها بر می‌آید (دواس، ۱۳۸۲: ۱۴). در تحقیقات پیمایش علاوه بر توصیف به تبیین پدیده‌ها نیز پرداخته می‌شود، بدین صورت که فرضیه‌هایی ساخته شده و سپس به آزمون کشیده می‌شوند (همان: ۲۱). روش اسنادی نیز دیگر روشی است که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است، به این ترتیب که در بخش‌های ابتدایی تحقیق بیشتر مطالب از طریق منابع موجود تکمیل می‌شود و در واقع در این مراحل با مراجعه به اسناد و مدارک، مطالب مورد نیاز جمع‌آوری می‌شود.

### **اعتبار و پایایی تحقیق**

به منظور سنجش اعتبار، از اعتبار صوری استفاده شده است. به این صورت که چند تن از اساتید پرسشنامه را مطالعه نمودند و با نظر ایشان اصلاحاتی در آن داده شد و به صورت پرسشنامه نهایی انجام شد. مقیاس سازگاری زناشویی که متغیر وابسته را می‌سنجد چندین بار پایایی‌اش سنجیده شده است. اسپینیر ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس را ۰.۹۶ گزارش داده است. آقای ملانیا نیز پایایی این مقیاس را سنجیده است. ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده توسط بنده برابر با ۰.۹۰ می‌باشد که میزان روایی بالایی را نشان می‌دهد. آلفای به دست آمده برای متغیر تغییر ارزش‌ها برابر با ۰.۸۴ بوده، تغییر نگرش برابر با ۰.۷۸ و آلفای متغیر روابط برابر با ۰.۸۵ می‌باشد.

## روش آماری تحقیق

در پژوهش حاضر برای تحلیل داده‌ها همبستگی‌های ساده میان متغیرها که بر اساس سطوح سنجش به کمک اسپرمن، کروسکال والیس، یومن ویتنی صورت می‌گیرد. دوم تبیین داده‌های ناشی از همبستگی‌ها براساس رگرسیون‌های چند متغیری یا معادلات ساختاری که اغلب تحلیل مسیر نیز نامیده می‌شود. در رگرسیون چند متغیری یک متغیر به عنوان وابسته و بقیه متغیرها به عنوان متغیر مستقل عمل می‌کنند. این آماره قابلیت‌های متعددی دارد از جمله سنجش همبستگی چندین متغیر با هم‌دیگر و پیش بینی و تبیین آنها در یک فرایند پیچیده.

**فرضیه ۱:** به نظر می‌رسد که تغییر ارزش‌های خانواده با ناسازگاری زوجین رابطه دارد.

در بررسی این فرضیه «به نظر می‌رسد بین تغییر ارزش‌های خانواده با ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد». بر مبنای سطوح سنجش (ترتیبی- ترتیبی) از آزمون آماری اسپرمن استفاده شده است. با توجه به سطح معناداری ( $Sig: 0/000$ )، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین تغییر ارزش‌های خانواده و ناسازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه ارزش‌های خانواده بیشتر تغییر کند، میزان ناسازگاری زناشویی هم بیشتر است. ضریب همبستگی اسپرمن در اینجا برابر با  $0/54$  است که نشان می‌دهد رابطه مستقیمی بین این دو متغیر وجود دارد و شدت آن متوسط است.

**فرضیه ۲:** استفاده از رسانه‌ها با ناسازگاری زوجین رابطه دارد.

در بررسی این فرضیه «به نظر می‌رسد بین استفاده از رسانه‌های جمعی و ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد». بر مبنای سطوح سنجش (ترتیبی- ترتیبی) از آزمون آماری اسپرمن استفاده شده است. با توجه به سطح معناداری که بیشتر از  $0/05$  می‌باشد، بنابراین رابطه معناداری بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و ناسازگاری زناشویی وجود ندارد. به

عبارتی دیگر بر اساس یافته‌های این تحقیق نمی‌توانیم بگوییم که مثلاً کسانی که از ماهواره، اینترنت و... استفاده می‌کنند میزان ناسازگاری زناشویی‌شان بیشتر است.

**فرضیه ۳:** تغییر نگرش به زندگی خانوادگی با ناسازگاری آن‌ها رابطه دارد.

در بررسی این فرضیه «به نظر می‌رسد بین تغییر نگرش به زندگی خانوادگی و ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد». بر مبنای سطوح سنجش (ترتیبی- ترتیبی) از آزمون آماری اسپیرمن استفاده شده است. باتوجه به سطح معناداری ( $Sig: 0/000$ )، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین تغییر نگرش به زندگی خانوادگی و ناسازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی اسپیرمن در اینجا برابر با ۰/۴۶ است که نشان می‌دهد رابطه مستقیمی بین این دو متغیر وجود دارد و شدت آن نیز متوسط است.

**فرضیه ۴:** روابط بین زوجین با ناسازگاری آنها رابطه دارد.

در بررسی این فرضیه «به نظر می‌رسد بین نوع روابط زوجین و ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد». بر مبنای سطوح سنجش (ترتیبی- ترتیبی) از آزمون آماری اسپیرمن استفاده شده است. باتوجه به سطح معناداری ( $Sig: 0/000$ )، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین نوع روابط زوجین و ناسازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی دیگر میزان ناسازگاری در خانواده‌هایی که روابطشان غیردموکراتیک است، میزان ناسازگاری بین زوجین نیز بیشتر است. در این نوع خانواده‌ها به جای این که در مورد موضوعات و مسایل زندگی مشترک، با یکدیگر مشورت کرده و دو طرفه تصمیم گرفته شود، تنها یک فرد در خانواده صاحب رأی بوده و نظر آن یک فرد که اکثراً هم مرد خانواده است، اعمال می‌شود. ضریب همبستگی اسپیرمن در اینجا برابر با ۰/۵۱ است که نشان می‌دهد رابطه مستقیمی بین این دو متغیر وجود دارد و شدت آن نیز متوسط است.

**فرضیه ۵:** بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و ناسازگاری زوجین رابطه وجود دارد.

در بررسی این فرضیه «به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی زوجین و ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد». بر مبنای سطوح سنجش (ترتیبی- ترتیبی) از آزمون آماری اسپیرمن استفاده شده است. با توجه به سطح معناداری که بیشتر از ۰.۰۵٪ می‌باشد، بنابراین رابطه معناداری بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی زوجین و ناسازگاری زناشویی وجود ندارد.

**فرضیه ۶:** بین نوع شغل و ناسازگاری زوجین اختلاف وجود دارد.

در بررسی این فرضیه «به نظر می‌رسد بین نوع شغل و میزان ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد». بر مبنای سطوح سنجش (اسمی- ترتیبی) از آزمون وی کرامر استفاده شده است. میزان ضریب به دست آمده ۰.۲۲ درصد می‌باشد.

### تحلیل رگرسیون ناسازگاری زناشویی

برای تحلیل رگرسیونی ناسازگاری زناشویی، متغیرهایی که با ناسازگاری زناشویی رابطه معناداری داشتند، مشخص می‌کنیم. یافته‌های تجربی پژوهش حاضر بیانگر آن است که ناسازگاری زناشویی با متغیرهای تغییر ارزش‌های خانوادگی، تغییر نگرش نسبت به زندگی و روابط دموکراتیک بین زوجین و نوع شغل رابطه معناداری دارد. برای تحلیل رگرسیونی، متغیر ناسازگاری زناشویی را به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای تغییر ارزش‌های خانوادگی، تغییر نگرش نسبت به زندگی، نوع شغل و روابط دموکراتیک بین زوجین را به عنوان متغیر مستقل وارد کردیم که نتیجه آن در جداول ذیل آورده شده است.

**جدول ۱: رگرسیون ۲ ناسازگاری زناشویی**

مدل	۲ پیرسون	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	خطای استاندارد F
۱	۰/۴۵۷	۰/۲۹۹	۰/۲۹۰	۰/۸۸۸۳۲

بر اساس نتایج جدول شماره ۱، می‌توان گفت که متغیرهای مستقل فوق در این تحقیق تنها ۳۰ درصد واریانس متغیر ناسازگاری زناشویی را تبیین می‌کنند و ضریب همبستگی چندگانه تحقیق ۰/۴۵۷ می‌باشد.

**جدول ۲: همبستگی‌های رگرسیونی ناسازگاری زناشویی**

مدل		همبستگی‌های غیر استاندارد		همبستگی‌های استاندارد	t	معناداری (Sig)
		B	Std. Error	Beta		
۱	مقدار ثابت	۳/۳۸۱	۰/۲۰۲		۱۶/۷۲۰	۰/۰۰۰
	تغییر ارزش‌های خانواده	۰/۲۳۲	۰/۰۳۵	۰/۲۹۵	۶/۶۴۶	۰/۰۰۰
	تغییر نگرش به زندگی خانوادگی	۰/۱۹۱	۰/۰۳۴	۰/۲۵۰	۶/۶۷۸	۰/۰۰۰
	نوع شغل	۰/۰۳۷	۰/۰۵۴	۰/۰۳۳	۰/۶۹۳	۰/۴۸۹
	روابط دموکراتیک بین زوجین	۰/۲۳۱	۰/۰۳۷	۰/۲۷۷	۶/۲۷۷	۰/۰۰۰

یافته‌ها نشان می‌دهد که تغییر ارزش‌های خانواده با بتای (ضریب رگرسیونی استاندارد شده) ۲۹، روابط دموکراتیک بین زوجین با بتای ۲۸ و تغییر نگرش به زندگی خانوادگی با بتای ۲۵ و نوع شغل با بتای ۳۳ درصد سهمی را در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند و با توجه به ضرایب استاندارد شده موجود می‌توانیم بگوییم که متغیر تغییر ارزش‌ها سهم بیشتری را در تبیین متغیر ناسازگاری داشته است.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در فرضیه اول نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین تغییر ارزش‌های خانواده با ناسازگاری‌های زناشویی رابطه وجود دارد. میزان همبستگی به دست آمده ۰.۵۴ نشان دهنده رابطه مستقیم و مثبتی بین این دو متغیر است و شدت این رابطه نیز در حد متوسط می‌باشد. این رابطه بیان‌گر این موضوع بوده که هرچه ارزش‌های خانواده بیشتر تغییر کند، میزان ناسازگاری هم بیشتر می‌شود. نظریه بحران ارزش‌ها نیز که از آن برای تبیین متغیر تغییر ارزش‌های خانواده استفاده کرده‌ایم، تایید شد. این نظریه که بیان می‌کند در جوامعی که درحال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند، مشکلاتی ایجاد می‌شود که نتیجه تقابل نوگرایی و پایبندی به سنت‌های دیرین و خصومت بین نسل‌ها بوده و جامعه ما نیز چنین جامعه‌ای است و ما در کل کشور درحال توسعه‌ای می‌باشیم. در چنین شرایطی نظام ارزشی جامعه دستخوش آشوب می‌شود که بازتاب این وضعیت را می‌توان در نظام ارزشی خانواده نیز مشاهده کرد. از آنجا که سرعت حرکت فرهنگ با حرکت اقتصادی و نوآوری‌های تکنولوژی یکسان نیست، در نتیجه نسل‌هایی که در معرض چنین تحولات سریع اجتماعی قرار می‌گیرند، دچار کشمکش درون خانواده می‌گردند و در این صورت ناسازگاری در خانواده افزایش می‌یابد. همچنین تحقیق (عدم توافق ارزشی و تاثیر آن بر ناسازگاری زوجین در مشهد) که توسط آقایان اورعی و پور ماسوله انجام شده است نیز این نتیجه را نشان داد که تضاد ارزشی میان همسران موجب افزایش ناسازگاری از سوی هر دو طرف می‌شود. همچنین مقاله‌ای تحت عنوان (آغاز فروپاشی خانواده در غرب) نشان داد که کنار رفتن ارزش‌های خانوادگی و تغییر در وظایف اعضا و معمول شدن طلاق ناشی از تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌باشد که سر منشاء این تغییرات عبارت است از رشد اقتصادی و ظهور نسل‌های فلسفی که بر خود تاکید دارد.

فرضیه دوم تحقیق که رابطه بین استفاده از رسانه‌ها و ناسازگاری بود، در این پژوهش رد شد. شاید به علت جمعیت پایین جامعه آماری و شهر گرمسار و استفاده محدودتر از رسانه‌هایی

مانند ماهواره می‌باشد، وگرنه در پژوهش‌های دیگر رابطه بین استفاده از رسانه‌هایی مانند ماهواره و اینترنت بر روی تضاد و ناسازگاری زوجین تایید شده است.

فرضیه سوم تحقیق که رابطه بین تغییر نگرش به زندگی خانوادگی و ناسازگاری زناشویی است نیز تایید شده است. میزان ضریب همبستگی بدست آمده ۰.۴۶ و با اطمینان ۹۹ درصد این رابطه تایید شده است. این عدد نشان دهنده رابطه مستقیم و مثبت بین این دو متغیر است. ما با استفاده از نظریه کاهش تقبیح طلاق هم این رابطه را قبلاً پیش‌بینی کرده بودیم که صدق این نظریه تایید شد.

فرضیه چهارم که به رابطه بین ناسازگاری و روابط زوجین را بیان می‌کرد نیز مورد تایید قرار گرفته است. با اطمینان ۹۹ درصد می‌توانیم بگوییم که بین نوع روابط و ناسازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی دیگر میزان ناسازگاری در خانواده‌هایی که روابطشان غیردموکراتیک است، میزان ناسازگاری بین زوجین نیز بیشتر است. در این نوع خانواده‌ها به جای این‌که در مورد موضوعات و مسایل زندگی مشترک، با یکدیگر مشورت کرده و دوطرفه تصمیم گرفته شود، تنها یک فرد در خانواده صاحب رأی بوده و نظر آن یک فرد که اکثراً هم مرد خانواده می‌باشد، اعمال می‌شود. ضریب همبستگی اسپیرمن در اینجا برابر با ۰/۵۱ است که نشان می‌دهد رابطه مستقیمی بین این دو متغیر وجود دارد و شدت آن نیز متوسط است. تحقیق (بررسی ازدواج‌های موفق و ناموفق) نیز این نتیجه را حاصل کرده است که یکی از عوامل موثر بر ازدواج‌های موفق توافق بر سر مسایلی از قبیل روابط کلامی خوب و توافق بر سر مسایل اساسی زندگی از قبیل تصمیم‌گیری‌های شغلی، هدف‌های زندگی، تحصیل، شیوه بر خورد با فرزندان، مدت زمانی که با هم سپری می‌کنند، فعالیت‌های اوقات فراغت، بچه‌دار شدن و غیره می‌باشد که اکثر این مشخصه‌ها، متغیر روابط ما را سنجیده‌اند، پس این تحقیق نیز وجود یک رابطه مستقیم و مثبت بین روابط خوب و دموکراتیک با یک ازدواج موفق و سازگار را تایید می‌کند.



فرضیه پنجم؛ رابطه بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و ناسازگاری زوجین را بیان می‌کند که این فرضیه تایید نشد.

فرضیه ششم پژوهش، رابطه بین ناسازگاری و شغل مرد را بیان می‌کند که با ۹۹ درصد اطمینان و ۲۲ صدم میزان رابطه مورد تایید قرار گرفت. در نتیجه این که زوج چه نوع شغلی داشته باشند، بر ناسازگاری آن‌ها تاثیر دارد و این نتیجه بدست آمده که میزان ناسازگاری در خانواده‌هایی که شغل همسر آنان کارگر بود، بیشتر می‌باشد. مطابق نظریه مشکلات اقتصادی کانگر نیز این رابطه وجود دارد، زیرا نداشتن شغل مناسب باعث بروز مشکلات مالی و اقتصادی شده که باعث بروز اختلاف می‌شود. در تحلیل رگرسیون انجام شده نیز نشان داده شد که متغیرهای مستقل که رابطه‌شان با متغیر وابسته تایید شده، فقط ۳۰ درصد از تغییرات متغیر ناسازگاری زناشویی را تبیین می‌کنند و بقیه تغییرات را متغیرهایی تبیین کرده‌اند که در این تحقیق لحاظ نشده است.

## فهرست منابع

- احمدی، خ (۱۳۸۲). بررسی عوامل موثر بر ناسازگاری زوجین و مقایسه دو روش مداخله‌ای تغییر شیوه زندگی و حل مشکلات خانوادگی در کاهش ناسازگاری زناشویی (رساله دوره دکتری). تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ثنایی، باقر (۱۳۷۵). ازدواج، انگیزه‌ها و پرتگاه‌ها و سلامت آن (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی). پژوهش‌های تربیتی، شماره ۴، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- سایت خبری تابناک.
- سایت سازمان ثبت احوال کشور.
- صدیق سروستانی، رحمت ا... (۱۳۸۳). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسایل اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قرائتی، مهدی (۱۳۸۸). خانواده از رویای عشق تا واقعیت قانون، تهران: انتشارات پرتو خورشید، چاپ اول.
- محرمی، معصومه (۱۳۸۷). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر اختلافات زناشویی در بین زنان شاغل و خانه‌دار (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان). تهران: دانشگاه الزهرا.
- نورانی پور، ر. بشارت. م ع و یوسفی، آ (۱۳۸۶). بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی در زوجین ساکن در مجتمع پژوهشگران جوان دانشگاه شهید بهشتی: مجله تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره.
- هاشمی، رضا (۱۳۷۶). بررسی انواع تعادل ساختار نظام خانواده و رابطه آن با کشمکش‌های زن و شوهر.
- Givens, B.P, Hirschman, ch (1994). "Moderrnization and consanguineous marriage in Iran" *journal of marriage and family*.59 (4) pp.820-834.